

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰
صفحات ۱۳۹ - ۱۵۲

عوامل مؤثر در نشر و گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا از آغاز تا ورود استعمارگران

بررسی موردی نقش تجار^۱

سیاوش یاری^۲

چکیده

مجمع‌الجزایر مالایا (جزایر بین هندوچین و استرالیا) به علت موقعیت خاص جغرافیایی، در طول تاریخ مورد توجه و مطمح نظر اقوام مختلف قرار گرفته است. در آستانه‌ی ورود اسلام، در این منطقه و به‌ویژه در جاوه و سوماترا، فرهنگ و تمدن هندی رواج یافته بود. گرچه ایرانیان و عرب‌ها نیز از دیرباز با این جزایر مراودات تجاری و بازرگانی داشتند، اما پس از طلوع اسلام و گسترش آن، بازرگانان مسلمان، هم به جهت موقعیت و اهمیت ترانزیتی این مجمع‌الجزایر که بر سر راه چین و شرق آسیا قرار داشت و هم به علت وفور ادویه در جاوه، سوماترا و جزایر ملوک به این مناطق روی آوردند. تجار ایرانی، عرب و هندی هم‌چون مبلغان دین اسلام به ایفای نقش پرداختند. در این مقاله نگارنده در پی آن است که نقش این تجار در نشر، ترویج و تعمیق اسلام و باورهای آن و ساز و کار گسترش اسلام، زمینه‌ها، علل و عوامل گروه بومیان این جزایر و موانع آنان از این حیث را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها

گسترش اسلام، مجمع‌الجزایر مالایا، بازرگانان، جاوه، سوماترا، جزایر ملوک

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۶. تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۸.

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام. cia839@yahoo.com

نشر و گسترش هر ایده یا پدیده‌ای به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، معلول زمینه‌ها، علل و عواملی است. در واقع در تحلیل چنین پدیده‌ای باید سه مؤلفه‌ی مبدأ، مقصد و مبادی و راه‌های تبادل و نشر مورد توجه قرار گیرد و ویژگی‌ها و اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه‌ی مبدأ و مقصد نشر ایده یا آیین نو مورد توجه واقع شود. البته موانع و مشکلات گسترش یک ایده‌ی جدید را نیز نباید از نظر دور داشت. اسلام در بخش وسیعی از جهان به‌ویژه در شبه قاره‌ی هند و جنوب و جنوب شرق آسیا توسط تجار و بازرگانان و از مسیر کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری گسترش یافت. هرچند مقصد نشر یعنی مجمع‌الجزایر مالایا - که از نظر سیاسی و فرهنگی تحت سیطره‌ی هندویسم و فرهنگ هندی قرار داشت - از مبدأ و منشأ اسلام یعنی سرزمین‌های عربی و ایران دور بود اما برخی مشکلات چون ناآشنایی تجار و بازرگانان با فرهنگ و تمدن مناطق جدید و زبان بومیان نیز موجبات کندی روند نفوذ و گسترش اسلام را فراهم می‌آورد؛ ولی شکست سطوت و سیطره‌ی هندویسم در این منطقه را قطعی می‌نمود. البته در این میان حکومت‌های محلی نوظهور مسلمان و مبلغان دیگری غیر از تجار، هم‌چون علما و صوفیان نیز به تدریج به ایفای نقش پرداختند که به دلیل وسعت دامنه‌ی پژوهش محل و مجال پرداختن به آن‌ها در این مقاله‌ی مختصر نیست. به هر تقدیر، فرهنگ اسلامی از همان بدو امر توسط تجار و بازرگانان به همراه کالاهای تجاری به جزایر جنوب و جنوب غرب آسیا چون سیلان، مادبو و لاکدیو و پس از آن سوماترا، جاوه و جزایر ملوک راه یافت و در یک فرآیند تاریخی، صورت‌بندی اجتماعی منطقه را متحول ساخت؛ به گونه‌ای که حتی ورود استعمارگران نیز نتوانست این سرنوشت تاریخی را دگرگون سازد.

اهمیت و سابقه‌ی مناسبات اقتصادی دنیای اسلام با مجمع‌الجزایر مالایا

فرهنگ و تمدن در مجمع‌الجزایر مالایا نیز هم‌چون دیگر نقاط دنیا تحت تأثیر مهاجرت اقوام مختلف به این سرزمین و تعامل فکری و فرهنگی بومیان با مهاجران، به‌ویژه تجار بین‌المللی قرار داشته است. هندی‌ها از جمله اقوامی بودند که با مهاجرت به مجمع‌الجزایر مالایا و اسکان دائم در آن جزایر، صدها سال فرهنگ و تمدن آن را



تحت تأثیر آیین برهمایی و بودایی قرار دادند و موجب استقرار تمدن و فرهنگ آمیخته‌ی هند و مالایی شدند. در این دوره به ترتیب دو امپراتوری بزرگ سری ویجایا^۱ و موجاپاهیت^۲ در اندونزی تشکیل گردید. دوره موجاپاهیت، عصر باشکوه و عهد طلایی تاریخ اندونزی به شمار می‌رود (وحید مازندرانی، ۱۳۴۵، صص ۴۳-۴۵؛ اسمیت، ۱۳۵۰، صص ۳۶-۳۷؛ ۲۰۰۹، ۱۳۴ & ۳ P.).

بدین ترتیب مجمع‌الجزایر مالایا به‌ویژه جاوه و سوماترا در آستانه‌ی ورود اسلام، از حیث مذهبی تحت سیادت آیین هندویسم و بودایسم قرار داشت. البته هم ایرانیان و هم عرب‌ها قرون متمادی قبل از اسلام نیز با ساکنان مجمع‌الجزایر مالایا و اندونزی دارای مراودات و مناسبات تجاری و بازرگانی بودند. کالاهایی چون فلفل، کافور، میخک، مشک، عاج سفید و به طور کلی ادویه و گیاهان خوراکی و دارویی برای دنیای آن روز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود که در جزایر مالایا به وفور یافت می‌شد و تجار با خرید و فروش این دسته از کالاها سود سرشاری کسب می‌کردند (مارکوپولو، ۱۳۶۳، صص ۱۸۴-۱۸۵؛ مستوفی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۰).

تجار، ادویه را از مراکز دادوستد آن جزایر به هندوستان می‌بردند. آن‌گاه این ادویه از راه خشکی به‌وسیله‌ی کاروان‌ها به بازارهای خاور نزدیک و سپس اروپا منتقل می‌شد. گاه نیز کالاها را بدون آن‌که از راه خشکی از طریق هندوستان حمل کنند، یکسره به بندرهای ایران یا عربستان حمل می‌کردند (اسمیت، ۱۳۵۰، ص ۴۳).

سر توماس آرنولد معتقد است که مسلمانان از نخستین سال‌های ظهور اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا دارای مراکز تجاری بوده‌اند. وی از سکونت رییس یکی از قبایل عرب در سواحل غربی سوماترا، پیش از ۶۷۴ م/ ۵۴ هـ ق خبر می‌دهد (آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۶۶).

کراچکوفسکی، محقق معروف روسی نیز معتقد است از دوره‌ی ساسانیان و پس از آن در قرون نخستین اسلامی، مناسبات تجاری مسلمانان ایرانی و عرب تا بندر کانتون

۱. Sriwijaya

۲. Majapahit

در چین برقرار بوده است و تجار مسلمان با مناطق شرق آسیا از جمله هند، چین و مجمع‌الجزایر مالایا ارتباط و رفت و آمد داشته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱).
 رامهرمزی از نویسندگان قرن چهارم هجری (دهم میلادی) اخبار متعددی از مبادلات تجاری مسلمانان با سوماترا- که آن را در آن دوران زایج می‌نامیده‌اند- نقل کرده است. روایت‌های بسیاری نیز از تردد کشتی‌ها از بصره و سیراف و عمان به آن سرزمین و عمران و آبادانی و رونق اقتصادی آن سامان دارد (رامهرمزی، ۱۳۴۸، صص ۵، ۶، ۴۹، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۴۶).

مسعودی از جغرافی‌دانان و مورخان قرن چهارم هجری نیز به رفت و آمد دریانوردان ایرانی و عرب به خصوص سیراف و عمان به این نواحی اشاره کرده است. وی از کالاها و ادویه مورد توجه تجار در این جزایر سخن رانده است (مسعودی، ۱۳۶۵، ص ۶۰؛ قزوینی، ۱۳۷۱، ص ۳۱).

مناسبات اقتصادی و مبادلات فرهنگی

پرسش اینجاست که آیا این مراودات و مناسبات تجاری به مبادلات فرهنگی و اجتماعی نیز منجر گردیده است؟

تردیدی نیست که در سفرهای طولانی و در زمانی که کشتی‌ها از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رفته‌اند و مسافران با اوضاع و احوال و مردمان متفاوتی ارتباط می‌یافته‌اند، مهم‌ترین چیزی که می‌توانسته آن‌ها را با یکدیگر پیوند دهد، نزدیکی فرهنگی، مذهبی یا مبادلات بازرگانی بوده است. به این جهت آن‌چه که در تاریخ سفرهای دریایی دوران اسلامی، بیش از همه به چشم می‌خورد آن است که حتی در مواردی که هیچ وجه اشتراک برجسته‌ای از لحاظ فرهنگی یا مذهبی یا سیاسی میان مردمان دو یا چند سرزمین وجود نداشته، مبادله‌ی کالا میان آن‌ها موجب نزدیکی و ارتباط می‌شده است. از این رو برجسته‌ترین و مهم‌ترین روابط میان مردم آسیا و اقیانوس هند، روابط تجاری بود و به نظر می‌رسد که فرهنگ و مذهب نیز غالباً از همین طریق، از سرزمینی به سرزمین دیگر انتقال می‌یافته است (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰).



احتمالاً برخی از سفرها به سزمین‌های دور نیز جهت همسرگزینی و ازدواج آسان و راحت بوده است. ابن بطوطه در این باره می‌گوید: «هنگامی که کشتی‌ها به جزایر مالدیو می‌رسند، سرنشینان و مسافران با زنان آن‌جا ازدواج می‌کنند و موقع عزیمت، طلاقشان می‌دهند. این زنان هرگز حاضر نیستند دیار خود را ترک کنند» (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ص ۶۰۴).

قراین و شواهد حاکی از آن است که تجار مسلمان تنها به داد و ستد کالا اکتفا نکرده و خواسته و ناخواسته با بومیان، به‌ویژه ساکنان کناره‌ی دریاها مراودات اجتماعی داشته‌اند که این مراودات گاهی منجر به اسکان دائمی آنان شده است.

از آن‌جا که تمامی کسانی که به مسافرت‌های طولانی و دور دست می‌پرداختند به ضرورت می‌بایست دارای تمکن مالی باشند، چنین افرادی در مقابل بومیانی که اکثراً فقیر و گرسنه بودند از موضع فرهنگی بهتری برخوردار می‌کردند. بنابراین بومیان به عنوان خدمتکار به آنان خدمت می‌کردند و دختران خود را به عقد آنان درمی‌آوردند. از طرف دیگر همین استطاعت مالی باعث می‌شد تا مسلمانان به مزدوری نپردازند و دست به اعمال خلاف از جمله راهزنی و... نزنند. به این ترتیب امانت‌داری و به تبع آن فرهنگ و دین آنان مورد توجه ساکنان بومی منطقه قرار گرفت.

تجار و ساز و کار نفوذ و گسترش اسلام

سرتوماس آرنولد سازوکار نفوذ و گسترش اسلام در جامعه‌ی آن روز اندونزی توسط تجار و بازرگانان را این‌گونه بیان می‌کند:

«مسلمانان زبان و بسیاری از رسوم محلی و بومی را می‌پذیرفتند و فرامی‌گرفتند؛ با زنان آن‌جا ازدواج می‌نمودند. برای افزایش اهمیت و موقعیت خود، بردگان را خریداری می‌کردند و با موفقیت با رؤسایی که دارای مهم‌ترین مقام در بین مردم بودند، آمیزش می‌کردند. از آن‌جا که با هماهنگی و قدرت بیشتر از مردم بومی با یکدیگر همکاری و تعاون داشتند، به تدریج بر قدرت خود افزودند و از آن‌جا که تعداد زیادی برده در اختیار داشتند، برای خود یک نوع خودمختاری و سلطنت تأسیس کردند که در فامیل و خانواده‌ی آنان به ارث باقی ماند» (آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۶۷).

به این ترتیب مسلمانان به جای این که به عنوان فاتح وارد این سرزمین ها شوند، شمشیر را وسیله‌ی نشر اسلام قرار دهند، برای خود امتیازات یک نژاد برتر قائل شوند و سکنه‌ی بومی را تحقیر و عقاید خود را بر آنان تحمیل کنند، به صورت بازرگانانی ساده وارد شدند و از تمام استعداد فرهنگی و دینی خود برای ترویج آیینشان در سرزمین جدید بهره بردند و هرگز دین را وسیله‌ای برای جمع‌آوری ثروت و کسب امتیازات شخصی قرار ندادند (همان؛ ص ۲۶۸) اما پرسش این است که اندونزی تحت تأثیر کدام دسته از تجار و مبلغان مسلمان هندی، عرب و ایرانی به اسلام روی آورد؟ در خصوص منشأ و مبدأ نشر و گسترش اسلام و عوامل آن در مجمع‌الجزایر مالایا نظریات مختلفی ارائه شده است. برخی با توجه به شافعی‌مذهب بودن ساکنان اندونزی و جزایر و سواحل مالابار در جنوب هند، براین باورند که اسلام توسط تجار و بازرگانان هندی به این سرزمین وارد شده است (همان، ص ۲۶۸، ولک، ۱۳۷۴، ص ۸۶؛ اسمیت، ۱۳۵۰، صص ۳۶-۳۷؛ Ibid, Tan Ta Sen, ۱۴۲، P).

برخی نیز معتقدند که اسلام از جزیره‌العرب و دیگر سرزمین‌های عربی وارد جزایر جاوه، سوماترا و دیگر سواحل و جزایر مالایا از جمله سواحل مالاکا شده است. برخی نیز با توجه به وجود تعداد زیادی از شیعیان در این سرزمین و رواج لغات و اصطلاحات زبان فارسی، تجار و بازرگانان ایران را عامل نشر و گسترش اسلام در میان ساکنان این مرز و بوم دانسته‌اند (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۴۹۳؛ اسمیت، ۱۳۵۰، ص ۴۲؛ Ibid, ۱۴۰، P).

نوراحمد قادری از نویسندگان پاکستانی نیز براین باور است که آثار، بناها و اسناد تاریخی حاکی از وجود تشابهات فراوان بین اسلام سند و مکران و اندونزی است. بر این اساس وی معتقد است که اسلام از قرن اول هجری از طریق سند به جنوب شرق آسیا راه یافته است (وحید مازندرانی، بی تا، صص ۵۹-۶۰).

قدر مسلم این که قبول هیچ یک از نظریات فوق نمی‌تواند و نباید مستلزم رد دیگر نظرات باشد. بدون شک اسلام از مجاری و مبادی مختلف و متفاوتی راه خود را به میان توده‌های مردم در مجمع‌الجزایر مالایا و جزایر مختلف جنوب شرق آسیا گشوده است. واقعیات تاریخی از جمله مناسبات تجاری چند صد و بلکه چند هزار ساله میان جزایر و سواحل خلیج فارس و دیگر سرزمین‌های عربی و ایران، وجود اسامی عربی و



ایرانی و گزارش‌های متعدد جغرافی‌دانان در قرون نخستین اسلامی، همه حکایت از تأثیر و نفوذ مسلمانان عرب و ایرانی در این سرزمین دارد. از طرف دیگر نام‌ها و اصطلاحات هندی و تسلط چندصد ساله‌ی مهاجران هندی در جزایر فوق و ارتباط دائمی هند و این جزایر در طول تاریخ، همه حاکی از تبادل و تعامل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی میان هند و این جزایر است. البته اسلام در این جزایر، طی قرون متمادی تحت تأثیر آداب و رسوم و فرهنگ کهن منطقه قرار گرفته و ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرده است. به همین سبب امروزه میان اسلام در این خطه از دنیای اسلام با دیگر نقاط جهان از جمله ایران و سرزمین‌های عربی تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

اما این‌که اسلام از چه زمانی وارد جنوب شرق آسیا به‌ویژه جزایر و سواحل اندونزی گردید، اطلاعات منابع، بسیار اندک و پراکنده است. جغرافی‌دانان مسلمان قرون نخستین اسلامی، در این خصوص هیچ‌گونه گزارشی ارائه نکرده‌اند و تنها به ذکر برخی عجایب، محصولات و یا آتشفشان و نام حاکم این منطقه، «مهراج» - که در واقع اشاره به عنوان مهاراجه و حاکم هندی اندونزی است - اکتفا کرده‌اند. کراچکوفسکی از محققان روسی معتقد است که مسلمانان ترتیب‌هایی را که از دوران ساسانیان در ناحیه‌ی جنوبی عراق و سواحل خلیج فارس معمول بود، حفظ کردند. وی می‌افزاید مستعمره‌ی عربی و ایرانی در بندر کانتون چندان نیرومند بود که به سال ۱۶۹هـ.ق/ ۷۵۸م توانست شهر را تصرف و غارت کند و از راه دریا آن‌جا را ترک نماید. وی معتقد است حتی قبل از این تاریخ نیز کشتی‌های مسلمانان به تجارت با چین پرداخته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱).

رامهرمزی که اثر خود را در قرن چهارم هجری/ دهم میلادی به رشته‌ی تحریر درآورده است از وجود مسلمانان بومی و غیربومی در زایج (سوماترا) سخن به میان آورده است. وی به این امر نیز اشاره می‌کند که حتی فردی از مسلمانان که جهود کوتاه نام داشته و از اهالی عمان بوده در مجلس پادشاه سوماترا حضور می‌یافته است (رامهرمزی، ۱۳۴۸، صص ۱۲۴-۱۲۵). این گزارش، حاکی از نشر و گسترش اسلام توسط دریانوردان مسلمان و نفوذ آنان در این منطقه است، تا بدان حد که در مجلس خصوصی پادشاه نیز حضور می‌یافته‌اند. با این حال دین اسلام تا مدت‌ها در بنادر و سواحل که مسلمانان با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند باقی‌ماند و پیشرفت آن در داخل این

سرزمین به کندی صورت می‌گرفت؛ زیرا اسلام در آن نواحی با مقاومت هندوها و بت‌پرستان مواجه بود (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۴۹۱). طبیعی بود که نخستین مناطقی که اسلام را پذیرفتند، مناطق ساحلی و محل‌های پر رفت و آمد و یا استقرار موقت و گاه دائم تجار مسلمان بوده باشد. چنان‌که مارکوپولو نیز هنگام مسافرت و اقامت چندماهه‌ی خود در برخی جزایر اندونزی، همه‌ی ساکنان جزایر مختلف را بت‌پرست دیده و تنها منطقه‌ی پرلاک^۱ در نزدیکی تنگه‌ی مالاکا در شمال جزیره سوماترا را مسلمان دانسته است که بنابه گفته‌ی وی تحت تأثیر تجار مسلمان، اسلام را پذیرفته بودند (مارکوپولو، ۱۳۶۳، صص ۱۸۶-۱۸۷).

سنگ قبرها که از معتبرترین و مطمئن‌ترین اسناد تاریخی مربوط به نشر اسلام در این مناطق است، از نشر و گسترش اسلام در این مناطق در دوره‌ی قبل از مارکوپولو حکایت دارد. قدیمی‌ترین این سنگ قبرها مربوط به سال ۴۷۵هـ.ق ۱۰۸۲م در جاوه‌ی شرقی است (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی اندونزی). به تدریج که سرکردگان و سروران مناطق واقع در طول تنگه‌ی مالاکا تعالیم اسلام را اختیار می‌کردند، مردم عامی نیز از ایشان پیروی می‌کردند. با وجود این، ساکنان این جزایر با گذشته قطع ارتباط نکردند. حقیقت آن است که مساجد اسلامی به صورت معماری هندو- جاوه‌ای ساخته می‌شد و گورهای مسلمانان، نشانه‌های هندو بر خود داشت (اسمیت، ۱۳۵۰، ص ۴۳).

پس از مناطق ساحلی، اسلام به تدریج به دیگر مناطق و جزایر نفوذ کرد و آنان را تحت تأثیر تعالیم جدید قرار داد. در واقع، فرآیند اسلام‌پذیری ساکنان این جزایر نیز هم‌چون دیگر مناطق جهان که اسلام در آن رواج پیدا کرد حرکتی بطئی و آرام داشت. ولی برعکس بسیاری دیگر از مناطق دنیای اسلام، پذیرش اسلام، مقدم بر تأسیس حکومت‌های اسلامی بود. در حالی که در دیگر مناطق به خصوص خاورمیانه ابتدا مناطقی به تصرف مسلمانان درمی‌آمد، حکومت اسلامی دارای سیطره و نفوذ می‌گشت و پس از آن تحت لوای حکومت‌های اسلامی و با ابزارهایی چون جنگ و جهاد گسترش می‌یافت. بدین ترتیب در طول قرون هفت و هشت هجری/ سیزده و چهارده

۱. Perlak



میلادی، اسلام آن‌چنان در این جزایر نفوذ یافت که توانست نخستین حکومت‌های اسلامی را در این منطقه پی‌افکند. این امر منجر به فعالیت‌های تبلیغی علنی مسلمانان و اختلافات شدید حکومت‌های اسلامی و حکومت مذهبی بودایی ماجاپاهیت و نهایتاً سقوط این امپراتوری گردید. سقوط این امپراتوری، نفوذ و توسعه اسلام در جزایر مالایا را سرعت بیشتری بخشید. بقایای امپراتوری ماجاپاهیت که جزو طبقه‌ی ممتاز هندو بودند، به همراه پیشوایان مذهبی خود به جزیره‌ی بالی پناهنده شدند. از جمله حکومت‌های معروف اسلامی در این منطقه حکومت پاسی بود که در اواخر سده‌ی هفتم هجری / سیزدهم میلادی در سواحل شرقی سوماترا تأسیس شد و مرکز فعالیت تجار و سوداگران عرب و ایرانی گردید (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی اندونزی). این حکومت و از جمله معروف‌ترین حاکمان آن یعنی محمد اسکندر شاه سعی کردند از طریق برقراری رابطه با حکومت چین، خود را از قید سلطه‌ی حکومت‌های مقتدر هندو و بودایی رهایی بخشیده و استقلال خود را حفظ کنند.

در منابع متقدم، در مورد علل گرویدن ساکنان این جزایر به اسلام، دلیل محکمی وجود ندارد. گفته شده که در اثر تباهی اخلاق که به مرور زمان در میان طبقه‌ی روحانی - به‌ویژه بودایی جاوه - راه یافته بود و مردم از آن گروه سخت ناراضی شده بودند، زمینه برای تحول دینی توده مردم و جلب آنان به سوی اسلام آماده شده بود (وحید مازندرانی، بی‌تا، ص ۷۲).

نخستین و مهم‌ترین اقدامات، جهت نفوذ و گسترش اسلام در مناطق جاوه نیز توسط بازرگانان صورت گرفت. فرزند حاکم پاچا جاران (قسمت غربی جزیره‌ی جاوه) شغل بازرگانی داشت. وی هنگامی که رهبری یک هیأت تجاری به هندوستان را برعهده داشت، با بعضی از بازرگانان مسلمان آشنا شد و به وسیله‌ی آنان به اسلام مشرف گشت. وی که پس از این نام حاجی پورا بر خود نهاده بود، پس از بازگشت به کشور خود با کمک تجار مسلمان، برادر و دیگر اعضای خاندان سلطنت را به اسلام رهبری نمود (آرنولد، ۱۳۵۸، صص ۲۷۶-۲۷۷). البته در کنار فعالیت‌های تجار و بازرگانان، برخی از افراد، اعم از علما و صوفیان نیز به نشر و انتشار اسلام در این مناطق و دیگر

مناطق شرق آسیا و شبه قاره مشغول بودند که در این مقاله مجال پرداختن به آنها نیست.

هنگامی که در قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی ابن بطوطه، سیاح معروف مسلمان، به جزایر جاوه، سوماترا و دیگر جزایر جنوب و جنوب شرق آسیا گام نهاد، بخش زیادی از ساکنان منطقه به اسلام گرویده بودند. ابن بطوطه در سال ۷۴۶هـ.ق/۱۳۴۵م در دیدار از سوماترا، حکومت‌های اسلامی این منطقه را دارای قلمرو وسیع و قدرت فراوان توصیف می‌کند. او در این جا با چند نفر از مسلمانان ایرانی از جمله بهروز، کفیل فرماندهی نیروی دریایی و قاضی امیر سیدشیرازی و تاج‌الدین اصفهانی که از علمای آن سرزمین بوده‌اند، آشنا می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ص ۷۲۱). وجود چنین افرادی در نشر و انتشار اسلام در این منطقه نقش بسزایی داشته است. در این زمان ملک ظاهر بر مسلمانان ناحیه حکومت می‌کرده است. ابن بطوطه درباره‌ی وی چنین می‌گوید:

«پادشاه جاوه^۱، ملک ظاهر، از پادشاهان خیر و کریم و پیرو مذهب شافعی است. وی دوستدار فقها است و آنان برای قرائت قرآن و مباحثه پیش او می‌روند. ملک ظاهر چندین غزوه با کفار کرده و مردی فروتن است که برای نماز جمعه پیاده می‌آید. اهالی جاوه نیز شافعی مذهب و مردمی مجاهد پیشه‌اند و از جان و دل در جهاد شرکت می‌کنند و بر کفار آن حدود چیره‌اند و کفار ناگزیرند که برای به‌دست آوردن صلح تن به قبول جزیه دهند» (همان).

سنگ قبری به تاریخ ۸۳۳هـ.ق/۱۴۱۹م متعلق به ملک ابراهیم کاشانی به خوبی گویای نقش تجار و بازرگانان و فرآیند نفوذ و گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا است. مطالب کتیبه‌ی این سنگ قبر حاکی از آن است که وی تاجری ثروتمند بوده که احتمالاً ثروت خود را از راه تجارت ادویه به‌دست آورده است (ولک، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵). وی به همراه تعدادی از هم‌کیشان خود در نیمه‌ی دوم قرن چهاردهم میلادی در ساحل شرقی جاوه پیاده شده و در نزدیکی شهر جریسک^۲ مقابل جزیره مدورا^۱ سکونت

۱. ابن بطوطه جزیره‌ی سوماترا را با عنوان جاده کوچک می‌شناخته است.

۲. Gresik



گزیده بود. گفته شده که وی خود را از نسل حضرت امام زین العابدین (ع) و پسرعموی راجه چرمن^۲ یکی از حاکمان جاوه می دانسته است. تلاش وی برای گسترش و نشر اسلام منجر به تشکیل جامعه‌ی کوچکی از مسلمانان در جاوه گردید. او هم‌چنین در این محل مسجدی بنا کرد و به همراه راجه چرمن تلاش‌های زیادی برای گسترش اسلام انجام داد. ولی تلاش آنان برای اقناع پادشاه موجاپاهیت جهت پذیرش اسلام به نتیجه‌ای نرسید (آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۷۷).

گزارش منابع چینی و محلی نیز از گسترش روزافزون و نفوذ تدریجی اسلام از مناطق ساحلی به نواحی مرکزی و دوردست حکایت دارد. به این ترتیب نواحی پرلاک^۳ و پاسی^۴ در شمال سوماترا در پایان قرن سیزدهم و مالاکا در اوایل قرن پانزدهم و جزایر ملوک^۵ در ابتدای قرن شانزدهم به دین اسلام گرویدند.

فرماندار ماکاسار^۶ در آغاز قرن هفدهم قبول اسلام کرد، ولی بسط سریع اسلام در اندونزی در قرن شانزدهم به واسطه‌ی سخت‌گیری پرتغالی‌ها در تحمیل دین مسیحی خود و از طرف دیگر در اثر رقابت تجار مسلمان با پرتغالی‌ها صورت گرفت. مهم‌ترین سلطان‌نشین‌های اسلامی در این دوره، دماک^۷ در جاوه مرکزی، اچه در سوماترای شمالی و بروئی در شمال جزیره‌ی بروئو بودند. (وحید مازندرانی، بی‌تا، ص ۶۱)

فرجام سخن

مجمع‌الجزایر مالایا به علت موقعیت خاص جغرافیایی در طول تاریخ، محل مناسبی برای اتراق تجار و بازرگانانی و محلی مناسب برای تبادل محصولات و کالاهای مختلف بین شرق و غرب جهان متمدن آن روز بوده است. البته سواى موقعیت ترانزیتی، جزایر سوماترا، جاوه و ملوک به سبب وفور ادویه به خودی خود نیز از

۱. Madura

۲. Raja of Cherman

۳. Perlak (بندری در شرق سوماترا در شمال غربی انونزی)

۴. Passi (ناحیه‌ای در ساحل شمالی آچه در سوماترا)

۵. در شرق اندونزی

۶. جزیره ای در جنوب شرق اندونزی

۷. Demak

اهمیت زیادی برخوردار بودند. سوداگران ضمن داد و ستد کالا، افکار عقاید و باورهای دینی، مذهبی و فرهنگی را نیز به بومیان عرضه می‌کردند. بازرگانان مسلمان هندی، ایرانی و عرب همگی در نشر و گسترش اسلام در این منطقه مؤثر بودند و هریک به نوعی به ترویج و تعمیق باورهای مذهبی می‌پرداختند. وجود اسامی هندی، ایرانی و عربی در این خطه به خوبی گویای این آمیختگی فرهنگی است. گرچه به نظر می‌رسد که در قیاس با دیگر سرزمین‌های اسلامی، اسلام با تأخیر و به کندی در این جزایر نفوذ کرده و توسعه یافته، ولی در واقع چنین نبوده است. برای فهم و توضیح این مطلب باید میان فتح یک منطقه و پذیرش و گسترش اسلام تمایز و تفکیک قائل شد. در واقع در دیگر مناطق دنیای اسلام هم گرچه فتح نظامی به سرعت صورت می‌گرفت، ولی فرآیند نشر و گسترش اسلام یک روند درازمدت با ویژگی‌های خاص خود بوده است. به هر صورت یکی از تفاوت‌های اساسی نشر اسلام در جنوب شرق آسیا از جمله مجمع‌الجزایر مالایا با بسیاری از مناطق مرکزی دنیای اسلام همین است؛ یعنی مسلمانان در این خطه از پشتوانه‌ی نیروی نظامی برای تبلیغ آیین خود برخوردار نبوده‌اند و بومیان بدون این‌که سایه‌ی شمشیر بر سر آنان بوده باشد، اسلام را به مثابه‌ی یک عنصر جدید و رهایی‌بخش برای مقابله با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و در دوره‌های متأخر و در آستانه ورود استعمارگران به عنوان ایدئولوژی مبارزه پذیرفته‌اند.



منابع و مأخذ

۱. آرنولد، سرتوماس (۱۳۵۸). *تاریخ گسترش اسلام*، ترجمه‌ی دکتر ابوالفضل عزتی، تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابن بطوطه (۱۳۶۱). *سفرنامه*، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن ماجه، شهاب‌الدین احمد (۱۳۷۲). *کتاب الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد*، ترجمه‌ی احمد اقتداری و امید اقتداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. اسمیت، دیتوس (۱۳۵۰). *سرزمین و مردم اندونزی*، ترجمه‌ی پرویز داریوش، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. *حدود العالم من المشرق المغرب* (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
۶. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*.
۷. رامهرمزی، بزرگ بن شهريار (۱۳۴۸). *عجایب هند*، ترجمه‌ی محمد ملک‌زاده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۸. طاهری، محمود (۱۳۸۰). *سفرهای دریایی مسلمانان در اقیانوس هند*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. قزوینی (۱۳۷۱). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه‌ی محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح دکتر سیدمحمد شاهمرادی تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. کراچکوفسکی، ایکناقی یولیا نوویچ (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه*، ترجمه‌ی سیدمنصور سجادی و آنجلادی جوانی دومانو، تهران: گویش.
۱۲. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*، تهران: دنیای کتاب.

۱۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۴. وحید مازندرانی (بی‌تا). *سرزمین هزاران جزیره*، تهران: کتابخانه‌ی دهخدا.
۱۵. ولک، برنارد (۱۳۷۴). *تا ریخ اندونزی*، ترجمه‌ی ابوالفضل علیزاده طباطبائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. Tan Ta Sen (2009). *Cheng Ho and Islam in Southeast Asia*, Singapore, institute of Southeast Asia studies.